

## حقوق و وظایف متقابل زن و شوهر اخلاقی، فقهی و حقوقی

\*  
محبوبه جوکار

### چکیده

حقوق و وظایف متقابل زوجین از اموری است که دین مبین اسلام برای تحکیم خانواده و رشد و بالندگی آن وضع نموده است. رعایت این حقوق و انجام مسئولیت‌های مربوط به آن، سبب نزدیکی و صمیمیت بیشتر زوجین می‌شود و از بروز هرج و مرج در خانواده جلوگیری می‌نماید.

بررسی این موضوع از دو نظر ضرورت دارد؛ نخست آنکه امروزه بر اثر ضعف مبانی دینی برخی افراد و نیز نفوذ جریان‌های فکری- فرهنگی و معرفی غرب به ویژه تفکرات فمینیستی، آموزه‌های اسلامی خانواده کم‌ارزش، زوجین به تکالیف خود در قبال یکدیگر بی‌توجه شده‌اند و وظایف خود نسبت به همسر را به خوبی انجام نمی‌دهند.

واضح و روشن است که بی‌توجهی به این وظایف (با توجه به نقش محوری و تأثیرگذار آن‌ها در خانواده) علاوه بر آسیب‌پذیر نمودن رابطه همسران، می‌تواند روابط سایر اعضای خانواده را آشفته نماید و حتی خانواده را در معرض خطر فروپاشی قرار دهد.

دوم، هجوم سیل آسای بسیاری از شبهات مثل تفاوت حقوق و تکالیف زوجین در خانواده، با جدا نمودن بخشی از دستورات دین از متن دین و بدون نگاه جامع به نظام‌مندی قوانین اسلام، زمینه سوء استفاده از آموزه‌های دینی را فراهم کرده و این شبهه را ایجاد نموده است که اسلام با نگاهی مردمحورانه به وظایف و حقوق زن و مرد، به زن ظلم کرده است که این امر باعث منحرف شدن بسیاری از افکار از تعالیم آسمانی دین اسلام است.

نوشتار حاضر، با بهره‌گیری از آیات و روایات، نظرات فقها و حقوقدانان و نیز با استفاده از نظریه‌های روانشناسی درباره فلسفه تفاوت‌های حقوقی زوجین، علاوه بر تبیین صحیح وظایف مشترک و اختصاصی زن و مرد، علت این تفاوت‌ها را با نگاهی درون‌دینی (آیات و روایات و فقه اسلامی) و برون‌دینی (روانشناسی) بررسی کرده است.

**کلیدواژه:** حق، تکلیف، حسن معاشرت، تشدید مبانی خانواده، مضاجعت، تمکین.



## تبیین مفاهیم

حق در لغت به معنای «مطابقت، یکسانی، هماهنگی و درستی است»<sup>۱</sup> و در اصطلاح به فرموده شیخ انصاری، «حق عبارت است از نحوه‌ای از سلطه و توانایی که در پرتو آن صاحب حق می‌تواند مصلحت برای خود به دست آورد»<sup>۲</sup>. تکلیف در معنای لغوی به معنای «مشقت و سختی است»<sup>۳</sup> و در اصطلاح به معنای «موظف کردن در مقابل تعالیم الهی و تبعیت از امر و نهی پروردگار است»<sup>۴</sup>.

## رابطه حق و تکلیف

میان حق و تکلیف رابطه تنگاتنگی است، وقتی حق در مقابل تکلیف می‌آید، به معنای «امتیازبر» یا «حق‌بر» کسی یا چیزی است. در اینجا تلازم حق و تکلیف مورد لحاظ است؛ یعنی وقتی از «حق» سخن به میان می‌آید در مقابل آن «تکلیفی» مطرح است که باید به آن حق گردن نهد.<sup>۵</sup>

از این رو، هنگام صحبت از حقوق و وظایف متقابل زن و شوهر، چیزی که حق زن است، همان وظیفه‌ای است که به عهده شوهر گذاشته شده و وظیفه زن همان اموری است که حق مرد معرفی گردیده است. پس به دلیل عدم امکان تفکیک آنها از یکدیگر، در این مقاله از ذکر جداگانه حقوق و وظایف اجتناب نموده‌ایم؛ یعنی آنگاه که وظایف مرد برشمرده می‌شود، به معنای برشمردن حقوق زن و برشمردن وظایف زن همان حقوق مرد است.

توازن حق و تکلیف، برای خود فرد نیز صادق است؛ یعنی هر جا برای شخص حقی ثابت شده، در مقابل تکالیفی نیز برای او قرار داده شده است. بنابراین، هیچ حقی بر کسی واجب نمی‌شود مگر در مقابل آن حق، وظیفه‌ای مقرر است. بر این اساس، رابطه حق و تکلیف رابطه توازن و تقارن است و آن‌ها موازن و قرین یکدیگرند.



## اخلاق در روابط اجتماعی و خانوادگی

در اسلام، سنگ بنای روابط سالم و حسنه انسان‌ها، بر پایه اخلاق بنا نهاده شده است و همواره در آیات، روایات و دستوره‌های دینی، اخلاق مد نظر شارع مقدس بوده است. بر همین اساس، در تنظیم روابط انسان‌ها قبل از آنکه آن‌ها را به سمت حاکمیت قانون و حقوق سوق دهند، آن‌ها را به رعایت دستورات اخلاقی توصیه نموده‌اند. این ویژگی در خانواده که زیربنای جامعه انسانی است، بیشتر رخ نمایانده است. بر این اساس، اگر روابط زوجین به جای آنکه بر پایه حاکمیت اخلاق استوار باشد، با ابزار حقوق اداره شود، سستی و سردی بر روابط اعضای خانواده سایه می‌گستراند و زندگی بی‌روح و تهی از نشاط و شادابی خواهد شد.

اگرچه این نوشتار، وظایف مشترک و اختصاصی زوجین را با استفاده از منابع اخلاقی، فقهی و حقوقی مورد توجه قرار داده است، به دلیل ترجیح بعد اخلاقی، بر مباحث قانونی و حقوقی، در زمینه روابط اخلاقی تأکید بیشتری دارد.

## عدالت در نظام تکوین و تشریح

با اندکی دقت در وظایف و مسئولیت‌های زوجین در خانواده ممکن است این سؤال مطرح شود که چرا وظایف زن و مرد متفاوت است؟ چرا مدیریت خانواده بر عهده مرد است و چرا زن برای خروج از منزل و برخی امور دیگر باید از شوهر اجازه بگیرد؟

توجه به ظاهر این وظایف و منفک نمودن آن‌ها از دستورات نظام‌مند دین در باب خانواده و به ویژه در بحث روابط زن و شوهر، برخی افراد را در اتقان و استحکام این احکام و به تبع آن اصل دین اسلام، دچار شک و تردید می‌نماید و آن‌ها را سبب ظلم به زن می‌دانند. در پاسخ باید گفت که بی‌تردید محور تقسیم وظایف زن و مرد در خانواده براساس تفاوت‌های تکوینی آن‌ها با یکدیگر است



که خداوند در متن خلقت هر یک از آن‌ها قرار داده است و این تفاوت‌ها در حوزه تفاوت‌های زیستی و روحی - روانی قابل بررسی است.

خداوند بر اساس این تفاوت‌ها، در وجود زن و مرد استعدادها، علایق و نگرش‌های خاص همان جنس را قرار داده است؛ همین تفاوت در تکوین و طبیعت آنهاست که زیربنای تفاوت‌های تشریحی و تقسیم وظایف را تشکیل می‌دهد. بی‌شک این تقسیم وظایف از سوی کسی صورت می‌گیرد که نظام هستی را بر پایه حق محوری و عدالت آفریده و چون به تمام زوایای وجودی زن و مرد احاطه کامل دارد، مسئولیت‌ها و وظایفی متناسب با توان و ظرفیت آن‌ها بر عهده‌شان قرار داده و هماهنگ با آن وظایف، ابزار کار لازم را نیز به آن‌ها داده است تا با انجام درست این وظایف در زندگی مشترک، زمینه تفاهم و همدلی هر چه بیشتر آن‌ها فراهم شود. بنابراین، تفاوت در وظایف زن و مرد، ریشه در خلقت متفاوت آنان دارد و این تفاوت‌ها بر اساس عدل و حکمت خداوند تفسیر می‌شود. توجه به این تفاوت‌ها، انگیزه بیشتری در وجود زن و مرد برای انجام بهتر وظیفه‌شان ایجاد می‌کند.

بین زن و مرد تفاوت‌های تکوینی وجود دارد؛ یعنی زن و مرد استعدادها و روحیه‌های متناسب با مسئولیتی که نظام آفرینش بر عهده آن‌ها گذاشته دارند. طبیعت نقش‌های متفاوتی بر عهده زن و مرد قرار داده و ابزار جسمی - روانی ایفای این نقش‌ها را در اختیار آنان گذاشته است. این تفاوت‌ها در آفرینش به منظور دستیابی به اهدافی خاص پی‌ریزی شده است و هرگز بیهوده نیست. نادیده انگاشتن این تفاوت‌ها در واقع نادیده گرفتن برخی از نیازها و استعدادها، طبیعی انسان‌ها و ظلم به آنهاست. از آنجا که قانون برای تأمین بحق نیازمندی‌ها و آماده ساختن عرصه حیات برای رشد و بالندگی استعداد انسان‌ها و احقاق حقوق آنان



است؛ باید تفاوت‌های بین زن و مرد در وضع قانون، بیان حقوق و وظایف که نتیجه قانون‌گذاری است، انعکاس یابد و در نتیجه حقوق و وظایفی هماهنگ و متناسب با نقش‌های طبیعی برای هر کدام وضع گردد تا آنان را در ایفای نقش‌های طبیعی یاری دهد. چیزی که در قانون‌گذاری اسلامی تجلی یافته و موجب تفاوت‌های بین حقوق و وظایف زن و مرد شده است.<sup>۶</sup>

در تفسیر نمونه ذیل آیه شریفه «أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا»<sup>۷</sup>، آمده است:

اگر همه انسان‌ها از نظر هوش، و استعداد روحی و جسمی، یکسان باشند، هرگز نظامات اجتماعی سامان نمی‌یابد، همانگونه که اگر سلول‌های تن انسان از نظر ساختمان و ظرافت و مقاومت همه شبیه هم بودند نظام جسم انسان مختل می‌شد. سلول‌های بسیار محکم استخوان پاشنه پا کجا و سلول‌های ظریف شبکه چشم کجا؟ هر کدام از این دو مأموریتی دارند که بر طبق آن ساخته شده‌اند. هر گروهی (از انسان‌ها) امکانات و استعدادها و آمادگی‌های خاصی دارند که در یک رشته از مسائل زندگی می‌توانند فعالیت کنند و اگر گفته شود جمله «رَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ» دلیل بر عدم عدالت اجتماعی است، می‌گوییم این در صورتی است که «عدالت» به معنی «مساوات» تفسیر شود، در حالی که حقیقت عدالت آن است که هر چیز در یک سازمان در جای خود قرار گیرد. ممکن است افرادی در مقام شعار، کلمه «مساوات» را بدون توجه به مفهوم واقعی آن در همه جا به کار برند، ولی در عمل هرگز نظم، بدون تفاوت‌ها امکان‌پذیر نیست.<sup>۸</sup>



پس از بیان این مقدمه باید بدانیم که وظایف متقابل زوجین در دو حوزه وظایف مشترک و وظایف اختصاصی قابل بررسی است که نخست وظایف مشترک آن‌ها بیان می‌شود:

### وظایف مشترک زن و شوهر

وظایف مشترک زوجین که در قانون مدنی ذکر شده است عبارتند از: حسن معاشرت، معاضدت در تشیید مبانی خانواده و تربیت فرزند و وفاداری.

#### ۱. حسن معاشرت

حسن معاشرت از اصولی است که قرآن کریم در آیات متعدد با بیان مختلف بر آن تأکید می‌ورزد<sup>۱</sup> و استقرار در روابط بین زوجین را وظیفه آن‌ها می‌داند و در دوازده مورد<sup>۲</sup> به نهادینه کردن این اصل در خانواده می‌پردازد.

ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی نیز اینگونه بیان می‌کند: «زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند.»<sup>۱</sup> روشن است که برای تأمین دوام خانواده، سکونت مشترک زن و شوهر کافی نیست؛ آنان در ضمن ازدواج، داوطلب شده‌اند که با هم به سر برند و در غم و شادی هم شریک باشند. همسری زن و مرد به معنای آن است که سلوک و رفتارشان با هم با خوشرویی و مسالمت و مهربانی باشد و از اعمالی که باعث ایجاد نفرت و کینه یا غم و اندوه، نگرانی و اضطراب در دیگری می‌شود، پرهیزند.

نکته مهم این است که تعیین مصادیق سوء معاشرت و یا حسن معاشرت از سوی قانون به دلیل تأثیر عادات، رسوم اجتماعی و... به طور دقیق ممکن نیست. بنابراین، نمی‌توان شکل واحد و استاندارد را برای حسن معاشرت از سوی مراجع قانونگذاری تعیین نمود، بلکه تعیین نوع و کیفیت آن را قانون با رجوع اشخاص به



عرف معقول و توجه به مقتضیات زمانی و مکانی حل می‌نماید.<sup>۱۲</sup> به علاوه همه حقوق‌دانان معترفند که در حریم خانواده، نفوذ قانون و التزام برای تحقق مفاد آن بدون پشتوانه اخلاق، امری غیرممکن است و ورود دولت‌مردان و مسئولین قضایی به حمایت از آیین‌نامه‌های حقوقی، کمتر توانسته است به معضلات خانواده پاسخ مناسب دهد و هرچه این قانون از دست‌برد جنجال‌ها و کشمکش‌های حقوقی مصون‌تر باشد، ثبات و استحکام بیشتری دارد و افراد آن از شخصیت کامل‌تری بهره‌مندند. با اندکی مسامحه می‌توان پاره‌ای از مصادیق حسن معاشرت را اینگونه برشمرد:

### الف) خوش خلقی و گشاده‌رویی

قرآن کریم از ویژگی‌های برجسته شخصیت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را نرمی اخلاق و خوش‌رویی و نفوذ در انسان‌ها معرفی می‌کند.<sup>۱۳</sup> برخورد با روی خوش و چهره باز با دیگران، باعث جذب دل‌ها، فزونی محبت، نشاط و شادی، زدودن کینه از دل‌ها،<sup>۱۴</sup> سلامت جسم و روان، جلوگیری از ابتلا به ضعف اعصاب و بیماری‌های روانی و محبوبیت انسان در نزد دیگران و در نهایت پیروزی بر مشکلات می‌شود.

تعامل خوب زوجین با یکدیگر، علاوه بر فراهم نمودن فضای گرم و صمیمی در خانواده، گام بزرگی در تأمین امنیت روانی، نشاط، شادابی<sup>۱۵</sup>، سلامت جسمی و روحی اعضای خانواده خواهد بود. از این رو، امیرالمؤمنین علیه السلام بهترین زنان را چنین معرفی فرمود:

بهترین زنان شما پنج صفت دارند، سبکبار و کم صداقتند؛ نرم‌خو و خوش رفتارند؛ مطیع و موافقتند؛ آنگاه که همسرش خشم گیرد، خواب به چشمش نرود تا از او راضی گردد؛ در غیاب شوهرش حافظ (مال و



آبروی) اوست. چنین زنی کارگزاری از کارگزاران خداوند است و عامل

خداوند نیز ناکام و خسارت دیده نخواهد شد.<sup>۱۶</sup>

در مقابل نیز، آموزه‌های دینی به این ویژگی زن توجه نموده است که زن از نظر خلقت و آفرینش موجودی بسیار ظریف، لطیف، کانون مهر و عاطفه و منبع عشق و علاقه و شرم و حیا است. بنابراین، به مرد توصیه می‌کند که در رفتار خود با همسرش این ویژگی‌ها را که با روحیه لطیف او سازگار است، رعایت کند. به همین دلیل قرآن کریم با خطاب «و عاشروهنّ بالمعروف»<sup>۱۷</sup>، به مردان سفارش می‌کند که با زنان خود به نیکی و معروف رفتار کنند.

واژه «معروف» ۳۸ بار در قرآن آمده که ۱۹ مورد آن توصیه به مردان در رعایت تعادل رفتاری در برقراری روابط انسانی و اخلاقی با همسر است.<sup>۱۸</sup> در روایات اسلامی نیز در موارد متعددی به خوش رفتاری با زن سفارش شده است؛ از جمله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِنِسَائِهِ وَ اَنَا خَيْرُكُمْ لِنِسَائِي؛<sup>۱۹</sup> بهترین شما مردی است که با زنش خوش‌رفتارتر باشد و من از همه شما نسبت به زنانم خوش‌رفتارترم.

ب) احترام به همسر و تکریم شخصیت او

رعایت احترام و حفظ شخصیت همسر و خانواده او، از دیگر مصادیق حسن معاشرت است؛ دوست داشتن شخصیت و نیاز به حفظ شخصیت توسط دیگران از نیازهای همه انسان‌هاست و تأکید آموزه‌های دینی و اصول تربیتی دین اسلام بر حفظ شخصیت دیگران در راستای پاسخ‌گویی به این نیاز و حفظ کرامت ذاتی انسان است.

در روایات رسیده از بزرگان دین، زنی که احترام شوهر را نگه می‌دارد و او را





اذیت نمی کند، زن خوشبخت و سعادت‌مند معرفی گردیده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: سَعِيدَةٌ سَعِيدَةٌ امْرَأَةٌ تُكْرِمُ زَوْجَهَا وَلَا تُؤْذِيهِ؛<sup>۲۰</sup> خوشبخت است خوشبخت، زنی که شوهرش را تکریم نماید و او را اذیت نکند.

از سوی دیگر، از منظر پیشوایان دین، اکرام زن توسط همسرش، حکایت از کرم و طبع بلند مرد دارد و اهانت به زن نشان‌دهنده حقارت نفس اوست.<sup>۲۱</sup> یکی از تفاوت‌های روانشناسی زن و مرد، نیاز زن به احترام و نیاز مرد به تقدیر است. وقتی مرد در رفتارش به اندیشه‌ها و احساسات همسرش توجه می‌کند، زن کاملاً مطمئن می‌شود که شوهرش برای او احترام قایل است و وقتی زن حس کند که مورد احترام شوهرش قرار گرفته است، به راحتی از همسرش تقدیر می‌کند و با این کار یکی از نیازهای اساسی او را برآورده می‌سازد.<sup>۲۲</sup> بی‌تردید حفظ احترام و شخصیت یکدیگر باعث صمیمی‌تر شدن و تحکیم روابط زوجین و در نتیجه، حفظ استحکام خانواده خواهد بود و بر فرزندان تأثیر مثبت مستقیم دارد؛ به آن‌ها می‌آموزد که به همگان احترام بگذارند و از توهین و تحقیر دیگران پرهیزند.

### ج) زینت و آراستگی

رعایت نظافت و آراستگی از دیگر وظایف مشترک زوجین نسبت به یکدیگر است که به دلیل اهمیت آن، در آموزه‌های وحیانی مورد توجه قرار گرفته است. نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم وظایف مرد را نسبت به همسرش این گونه برمی‌شمارد: «بر مرد واجب است که غذا و لباس همسرش را تأمین کند و با صورت و قیافه بد بر او ظاهر نشود. اگر چنین کرد، حقش را ادا کرده است».<sup>۲۳</sup> در سخن دیگری امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «زنان دوست دارند در مرد همان چیزی را ببینند که مردان دوست دارند در زنان ببینند؛ یعنی زینت و آراستگی را».<sup>۲۴</sup>



سیره عملی رسول اکرم صلی الله علیه و آله به وضوح بیانگر توجه حضرت به آراستگی و نظافت است؛ به گونه‌ای که به فرموده امام صادق علیه السلام: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای بوی خوش، بیشتر از خوراک، خرج می‌کرد».<sup>۲۵</sup>

امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «آراسته و مرتب بودن از اموری است که باعث زیاد شدن عفت در زنان می‌شود و (برخی) زنان بدان علت از طریق عفت خارج شدند که مردانشان به مرتب بودن و زیبایی مقید نبودند».<sup>۲۶</sup>

به فرموده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، بر زن نیز لازم است که برای شوهر، بهترین لباس‌ها، بهترین عطرها و بهترین آرایش‌ها را استفاده نموده و خود را صبح و شب بر شوهر عرضه نماید.<sup>۲۷</sup> اگرچه مسئله آراسته بودن برای همسر، از وظایف مشترک زن و مرد محسوب می‌شود، اما توصیه و تأکید به زن در این زمینه بیشتر است. این مسئله به قدری اهمیت دارد که در صورت عدم رعایت زن نسبت به نظافت و آراستگی خود، در صورتی که شوهر خواستار آن باشد مصداق نشوز به شمار می‌رود.<sup>۲۸</sup>

بی‌شک توجه دین اسلام به نظافت و آراستگی زن و مرد، به علت تأثیر زیاد آن در ایجاد اطمینان و اعتماد بین آن‌ها و ازدیاد محبت و عواطف قلبی آن‌ها نسبت به یکدیگر است که این امور خود باعث ایجاد امنیت اجتماعی و حفظ سلامت روان جامعه خواهد بود.<sup>۲۹</sup>

سفارش اسلام به زن به زینت کردن و معطر نمودن خود برای شوهر، هیچگاه مجوز استعمال عطر و آرایش برای نامحرمان نمی‌باشد. بر همین اساس، تأکید آموزه‌های اسلامی بر حفظ خود و خودداری از استعمال عطر و آرایش زن برای نامحرمان است. سخن رسول اکرم صلی الله علیه و آله که می‌فرماید: «هر زنی که عطر بزند و بیرون رود و بر گروهی بگذرد که بوی خوش او را استشمام کنند، زناکار است»؛<sup>۳۰</sup> دلیلی گویا بر این مدعا است.



تأکید اسلام بر رعایت حقوق همسر، به دلیل تأثیر بسیار مثبت در روابط زوجین و سلامت روح و جسم اعضای خانواده و در نتیجه حفظ استحکام خانواده و تعادل و ترقی جامعه می‌باشد. در این صورت، آرزوی داشتن جامعه‌ای متعالی و ایده‌آل دور از دسترس نخواهد بود.

#### د) همدلی و مشارکت در انجام امور داخلی خانواده

تداوم و رشد و تعالی اعضای خانواده که واحدی منسجم است، نیازمند همدلی و مشارکت همه اعضای خانواده به ویژه زوجین است. بر همین اساس، آموزه‌های دینی به گونه‌ای وظایف اعضای خانواده را تقسیم نموده است که همه خود را در برابر آن مسئول بدانند تا خانواده بتواند کارکردهای خود را به نحو بهتر و مؤثرتری ایفا نماید.

اگرچه بخشی از فعالیت‌های منزل بر عهده مرد یا زن نیست، ولی نکته مهم همکاری و مساعدت آنان با یکدیگر است که زمینه‌ساز صمیمیت و تفاهم بین آنها و فراهم نمودن فضای شادابی و نشاط در خانواده می‌شود. اگرچه انجام امور منزل به عنوان واجب شرعی و قانونی بر عهده زن نیست و حتی در فقه آمده است: «مرد حق ندارد زن خود را به خدمت خانه مجبور کند»<sup>۱</sup>، ولی این امر از وظایف اخلاقی زن محسوب می‌شود؛ چراکه این کار نقش اساسی در شادابی، دوام و استحکام خانواده دارد و مرد را نسبت به خانواده دل‌گرم‌تر و امیدوارتر خواهد کرد و نشان دهنده عشق و علاقه زن نسبت به شوهر و فرزندان خواهد بود و همچنین زمینه‌ساز اظهار عبودیت و بندگی بیشتر اعضای خانواده و تربیت نسلی صالح می‌باشد. به همین دلیل زن باید به ارزش خدمت خود در خانه پی برده و هیچگاه نپندارد که زحمات و خدمات روزمره و تکراری او اموری بی‌فایده و بیهوده است که کسی قدردان آنها نیست.



پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

أَيُّمَا امْرَأَةً رَفَعَتْ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا شَيْئًا مِنْ مَوْضِعٍ إِلَى مَوْضِعٍ تُرِيدُ  
بِهِ صَلَاحًا نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهَا وَ مَنْ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ لَمْ يُعَذِّبْهُ. ۳۲

هر زنی در خانه شوهر به منظور زیباسازی چشم انداز چیزی را جابجا کند، خداوند به او نظر رحمت اندازد و هر که مورد نظر رحمت خدا باشد از عذاب او در امان است.

و در سخنی دیگر امام باقر علیه السلام ارزش خدمت زن به شوهر را زمینه ساز دستیابی به پاداش‌های عظیم می‌داند و می‌فرماید:

هیچ زنی نیست که جرعه‌ای آب به همسرش بنوشاند مگر این که این کار برای آن زن از عبادت یک سالی که روزهایش روزه باشد و شب‌هایش به عبادت بایستد بهتر است و خداوند به پاداش هر جرعه آبی که به همسرش می‌نوشاند، برای او در بهشت شهری می‌سازد و شصت خطا از خطاهای او را می‌بخشد. ۳۳

از سویی، علاوه بر بیان ارزش خدمت زن در منزل، مردان را نیز تشویق به کار در خانه و کمک به همسر می‌نمایند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام می‌فرماید:

ای علی، خدمت نمی‌کند به خانواده مگر صدیق یا شهید یا مردی که خداوند بخواهد خیر دنیا و آخرت را به او دهد. مردی نیست که به همسرش در خانه کمک کند مگر آنکه به تعداد موهای بدنش، عبادت یک سال روزه با نماز در شب‌هایش برای او پاداش قرار می‌دهند و خداوند پاداش پیامبران صبری مانند داوود علیه السلام و یعقوب و عیسی علیه السلام را برای او قرار می‌دهد. ۳۴

این تعاون و همکاری نه فقط در سخنان بلکه در سیره رفتاری اولیای دین نیز به



چشم می خورد. چنانکه در زندگی حضرت علی علیه السلام، ایشان تهیه آب و هیزم خانه و جارو و نظافت را بر عهده می گرفت و حضرت فاطمه علیها السلام آرد کردن، خمیر و پخت نان را انجام می داد.

مسلم است که همراهی و همکاری زن و شوهر در اداره امور زندگی و انجام کارها در منزل، رعایت نظم و پرهیز از مسامحه کاری در امور زندگی، علاوه بر کمک به صمیمی تر شدن روابط آن‌ها و کاهش خستگی‌های روزانه، بهترین الگو برای فرزندان در جهت یادگیری تعاون و همکاری با دیگران و آموزش نظم به آن‌هاست.

ه) حاکمیت فضای صمیمیت، مودت و گذشت در خانواده

آنچه که از آیات قرآن<sup>۳۵</sup> و توصیه‌های معصومین و شیوه عملی آن‌ها به دست می‌آید این است که، ازدواج زمینه‌ساز مودت و رحمت بین زن و شوهر است و محیط خانه جایگاه صمیمیت، آرامش، عطف و رحمت و گذشت از خطاهای یکدیگر. چشم‌پوشی از لغزش‌های دیگران که در مباحث تربیتی «تغافل» نامیده می‌شود، از اصول تربیتی دین اسلام است و توجه به آن سبب نزول رحمت الهی و افزایش محبت بین اعضای خانواده می‌شود. بنابراین، کسی حق ندارد به هیچ بهانه‌ای به خشونت متوسل شود. در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که الگوی جهانیان است<sup>۳۶</sup> هیچ مجوزی برای اعمال زور، خشونت در خانواده وجود ندارد، بلکه سخنان و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حکایت از ترغیب مسلمین به ایجاد فضای صمیمیت و رحمت در خانه و پرهیز از اذیت دیگران دارد.<sup>۳۷</sup>

ایشان حتی نشستن نزد خانواده و گفتگوی صمیمی و روابط مودت‌آمیز با اعضای خانواده را معادل برخی پاداش‌ها و یا برتر از آن‌ها می‌داند: «نشستن نزد خانواده از اعتکاف در مسجدالنبی، نزد خدا محبوب‌تر است»<sup>۳۸</sup>. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله،



ایجاد چنین فضایی در خانواده را سبب نزول رحمت می‌داند و می‌فرماید:

هر مردی که سفره غذا را بگستراند و زن و فرزند خویش را بخواند  
و غذا را با نام خدا شروع کنند و با شکر خدا به پایان برند، هنگامی که  
هنوز سفره برداشته نشده است، خدا رحمت و آمرزش را بر آنان نازل  
فرماید.<sup>۳۹</sup>

## ۲. معاضدت در تشدید مبانی خانواده و تربیت فرزند

مراد از تشدید مبانی خانواده، تلاش زن و شوهر در نزدیک ساختن منش و روش و خلق و خوی آن‌ها به یکدیگر است، به گونه‌ای که از ارتباط صمیمی و تفاهم آن دو در ابعاد مختلف، یکی شدن و وحدت و در نتیجه استحکام پیوند زناشویی حاصل شود.<sup>۴۰</sup>

زوجین، علاوه بر یاری یکدیگر برای اداره خانواده، باید به هنگام بیماری و درماندگی از مواظبت و پرستاری همسر خود دریغ نورزند. تعیین حدود این وظیفه نیز با عرف است.<sup>۴۱</sup> بنابراین، مبانی خانواده که قانون زن و شوهر را مکلف به تحکیم آن نموده، اموری است که خانواده بر پایه آن قرار گرفته است و استواری و استقامت خود را حفظ می‌نماید. این امور فراتر از رعایت حقوق واجب همسر است و شامل حقوق غیرواجب نیز می‌شود و روابط کلامی و غیر کلامی زوجین را نیز در بر می‌گیرد. بر این اساس، تلاش زوجین برای یاری رساندن به همدیگر، برای اداره امور خانواده و نیز توجه به مسایلی همچون رعایت احترام متقابل، وجود رابطه صمیمی و محبت‌آمیز با یکدیگر، صداقت داشتن، گذشت، توجه به تأمین نیازهای عاطفی و جنسی یکدیگر و...، از اموری است که سبب محکم‌تر شدن پیمان زناشویی بین آن‌ها شده و به استحکام خانواده می‌انجامد. از این رو، زن موظف به پذیرش مدیریت و قوامیت مرد است و باید او را در انجام این وظیفه



یاری رساند و مرد نیز وظیفه دارد به نیازهای مختلف همسر توجه نماید و با فراهم نمودن فضای مودت و محبت در خانواده و تحمیل نکردن خواسته‌های غیرمنطقی و پرهیز از آزار و اذیت همسر، به بهداشت روانی خود، همسر و فرزندان، کمک کند و موجبات تشدید و استحکام خانواده را فراهم نماید.

به اعتقاد حقوقدانان، باید پذیرفت که وظیفه مربوط به معاضدت زوجین، با تکالیف ناظر به حسن معاشرت و سکونت مشترک همبستگی و ارتباط فراوان دارند.<sup>۴۲</sup> در این بحث نباید از علاقه و ابراز محبت زوجین نسبت به یکدیگر که اصلی مهم و اساسی است، غفلت نمود؛ زیرا ابراز علاقه و محبت زوجین به یکدیگر ضامن تحکیم خانواده و حفظ عفت و پرهیزگاری زوجین می‌باشد. آموزه‌های دینی این نیاز را مورد توجه قرار داده و زوجین را همواره به رعایت این امر مهم توصیه و تشویق می‌نماید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ إِنِّي أَحِبُّكِ لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا»<sup>۴۳</sup> این گفته مرد به همسرش که دوستت دارم، هرگز از قلب او خارج نمی‌شود».

اگر زن در معرض نسیم روح‌افزای محبت و علاقه همسرش قرار گیرد، فرزندان را در معرض نسیم مهربانی و محبت‌های بی‌دریغ خود قرار خواهد داد. شهید مطهری رحمته الله در این زمینه بیان کرده است:

مرد مانند کوهسار است و زن به منزله چشمه و فرزندان به منزله گل‌ها و گیاه‌ها. چشمه باید باران کوهساران را دریافت و جذب کند تا بتواند آن را به صورت آب صاف و زلال بیرون دهد و گل‌ها و گیاه‌ها و سبزه‌ها را شاداب و خرم نماید. اگر باران به کوهستان نبارد، یا وضع کوهسار طوری باشد که چیزی جذب زمین نشود، چشمه خشک و گل‌ها و گیاهان می‌میرند، پس همان طوری که رکن حیات دشت و



صحرا باران و بالاخص باران کوهستانی است، رکن حیات خانوادگی

احساسات و عواطف مرد نسبت به زن است.<sup>۴۴</sup>

نیاز زن به محبت، عاطفه، و عشق‌ورزی و نیاز مرد به تحسین به علت تفاوت‌های روانشناسی زن و مرد است.<sup>۴۵</sup> بهترین الگوی روابط عاطفی زوجین در خانواده زندگی سراسر عشق حضرت علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام است و ابراز محبت آنان به یکدیگر از درخشان‌ترین صفحات زندگی مشترک در طول تاریخ است.<sup>۴۶</sup>

### ۳. وفاداری

اگرچه در قانون مدنی، هیچ اشاره‌ای به تکلیف وفاداری زن و شوهر نشده و تعریفی از آن ارایه نگردیده است، ولی باید توجه داشت که سکوت قانونگذار به خاطر بدیهی بودن این تکلیف است. مراد از وفاداری منحصر نمودن رابطه جنسی - با همه مظاهر آن - با همسر است؛ از این رو در فرهنگ اسلام، رابطه آزاد بین زنان و مردان با غیر همسر خویش، در هر حال ممنوع و ناپسند است.

لطمه‌ای که به علت رابطه نامشروع زن یا شوهر با (فرد) دیگری، بر بنیان خانواده وارد می‌شود، از نظر حقوقی نیز بی‌مکافات نیست.<sup>۴۷</sup> پس، نباید تکلیف وفاداری همسر را فقط تکلیف اخلاقی پنداشت؛ زیرا حقوق نیز رابطه جنسی کسی را که ازدواج کرده، با کسی غیر از همسر، ممنوع کرده است.<sup>۴۸</sup> بر همین اساس، خداوند متعال در سوره نور<sup>۴۹</sup> به مسلمانان توصیه نموده است که از هر گونه رابطه با نامحرم که منجر به افتادن در ورطه گناه و انحراف اخلاقی و جنسی است، پرهیزند و زن و شوهر را موظف به رعایت حدود و مرزهای الهی نموده است که باید نسبت به یکدیگر وفادار باشند و از هر گونه رابطه غیرمشروع با زن یا مرد دیگری خودداری نمایند.

در قانون مجازات اسلامی، کیفر زن شوهردار (محصنه) که با مرد دیگری رابطه





نامشروع دارد، یا مرد زنی داری (محصن) که با زن دیگر رابطه نامشروع برقرار کرده است، ممکن است تا اعدام نیز (در صورت وجود شرایط خاص)<sup>۵۰</sup>، معین شود. این امر، اهمیت تکلیف مربوط به وفاداری و ارتباط آن با نظم عمومی را به خوبی نشان می‌دهد.<sup>۵۱</sup>

عدم وفاداری زن و شوهر به یکدیگر به شکل‌های گوناگونی خود را نشان می‌دهد از جمله: عدم رعایت حریم و حدود شرعی در سخن گفتن با نامحرم، پوشش نامناسب در مواجهه با او و یا خیانت به همسر با نگاه هوس‌آلود به نامحرم و یا بیگانه را به خود راه دادن و ...

### وظایف اختصاصی مرد در خانواده (حقوق زن بر شوهر)

#### ۱. نفقه

از نظر اسلام، تأمین هزینه خانواده و از جمله مخارج شخصی زن، بر عهده شوهر است. وجوب نفقه جزء مسلمات فقه<sup>۵۲</sup> و حقوق اسلامی<sup>۵۳</sup> است و آیات<sup>۵۴</sup> و روایات زیادی مؤید این مطلب است. به موجب ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی، نفقه عبارت است از: مسکن، البسه، غذا و اثاث‌اللبت که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و نیز داشتن خادم در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضا.<sup>۵۵</sup> در فقه و قانون مدنی، اندازه‌ای برای نفقه معین نشده است، بلکه ملاک و میزان در پرداخت نفقه، عرف و نیاز عرفی است. بنا بر فرموده امام خمینی<sup>۵۶</sup>:

نفقه شرعاً اندازه‌ای ندارد، بلکه قاعده این است که به آنچه زن احتیاج دارد از قبیل غذا، خورش، پوشش، فرش و... و خادم داشتن و وسایلی که برای آشامیدن و پخت و پز و نظافت و غیر اینها به آن نیاز دارد، قیام نماید.<sup>۵۶</sup>



اگرچه میزان نفقه از نظر فقه اسلامی به عرف و شأن عرفی زن موقوف شده است، ولی بنا به گفته برخی حقوقدانان به نظر می‌رسد که موقعیت و وضع مالی شوهر نیز باید مورد نظر باشد؛ زیرا زن و شوهر پس از نکاح یک خانواده را تشکیل می‌دهند و جدای از هم نیستند. بنابراین، اگر مردی ثروتمند با زنی فقیر ازدواج کند، حق ندارد وضع گذشته او را مبنای تعیین مقدار نفقه بداند. همچنان که اگر زنی ثروتمند با کارگر ساده‌ای ازدواج کند، نمی‌تواند از او انتظار فراهم آوردن زندگی اشرافی داشته باشد.<sup>۵۷</sup>

البته وجوب نفقه در صورتی است که عقد دایم باشد<sup>۵۸</sup> و زن نیز از شوهر خود تمکین نماید<sup>۵۹</sup>، در صورت عدم تمکین زن، بدون هیچ مانع مشروعی، نفقه او از عهده شوهر ساقط می‌شود.<sup>۶۰</sup>

از سوی دیگر نیز، اگر مرد به وظیفه خود عمل ننماید و نفقه همسر خود را بدون هیچ دلیل مشروعی نپردازد به موجب ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی (تعریضات)، هر کس با داشتن استطاعت مالی نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهد، دادگاه می‌تواند او را به شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم نماید.<sup>۶۱</sup> ماده ۱۱۲۹ قانون مدنی برای تأیید بیشتر و عادلانه بودن، اینطور بیان می‌کند که در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه و عدم امکان اجرای حکم محکمه و الزام او به دادن نفقه، زن می‌تواند برای طلاق به حاکم رجوع کند و حاکم شوهر را اجبار به طلاق می‌نماید. همچنین است در صورت عجز شوهر از دادن نفقه<sup>۶۲</sup>.

در تنظیم روابط زوجین، همیشه اخلاق مقدم بر قانون است و قواعد اخلاقی بیش از قواعد حقوقی حکومت دارد. در این رابطه، سخن از عواطف انسانی، عشق و صمیمیت و وفاداری است و حقوق برای حکومت کردن بر آنها ناتوان است. از این رو، به زور اجرائیه دادگاه، نه می‌توان مرد را به حسن معاشرت با زن و رعایت



حقوق او واداشت و نه می توان زن را به اطاعت از شوهر و وفاداری و ادای وظیفه خود در قبال او مجبور کرد. فقط «اخلاق» می تواند این وحدت معنوی را حفظ نماید، نه زور قانون و در مواردی می توان به حقوق و قانون مدنی متوسل شد که هیچ راهی برای استیفای حقوق نمانده باشد.

آموزه های دینی همواره قوانین مربوط به خانواده را با رعایت مسایل اخلاقی تلطیف می کند تا اخلاق و قانون در کنار هم فضای متعادلی ایجاد کنند. از این رو، اگرچه دین نفقه زن را متناسب با عرف متعارف و شأن زن، بر مرد واجب می داند، ولی در کنار آن با بیان احادیثی سعی می کند مرد را در وسعت دادن بر عیال و خانواده خود تشویق نماید و یا اینکه در صورت عدم توانایی مالی، سعی کند به گونه ای با رفتار خود، رضایت خاطر همسر و خانواده را جلب نماید. امام سجاد علیه السلام می فرماید: «مقرب ترین شما کسی است که خوش اخلاق تر باشد و آن کس که بیشتر به زندگی عیال خود توسعه بخشد، بیشتر مورد خشنودی خداوند است»<sup>۶۳</sup>.

اگرچه زن در صورت دریافت نکردن نفقه، می تواند به دادگاه شکایت کند و درخواست طلاق نماید، ولی اخلاق حکم می کند در صورتی که مردی در تأمین مخارج همسر و فرزندانش کوتاهی نمی کند، ولی به دلایلی توان پرداخت نفقه را ندارد، زن با او مدارا و همراهی نماید و حتی با حمایت عاطفی از همسر، دل داری دادن و دلگرمی بخشیدن، او را تشویق به تلاش برای کسب درآمد از راه حلال نماید و در آن شرایط تقاضای خارج از توان مرد ننماید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

هر زنی که با همسرش مدارا نکند و از او چیزی را طلب کند که انجام آن در قدرتش نباشد، از چنین زنی هیچ حسنه ای قبول نخواهد شد (و روز قیامت) خدا را در حالی ملاقات می کند که بر او غضبناک باشد.<sup>۶۴</sup>



## ۲. ریاست بر خانواده (قوامیت)

بر اساس آیه شریفه ۳۴ سوره نساء، دومین وظیفه مرد، مدیریت و ریاست او بر خانواده است. کلمه «قیم» یعنی، مسئول قیام به امر شخص دیگری است و کلمه «قوام» و نیز «قیام» مبالغه در همین قیام است.<sup>۶۵</sup> سرپرستی و ریاست مرد در دو بخش، قابل بررسی است:

الف) قوامیت شوهر (ریاست شوهر بر زن) که در رابطه زوجیت است؛  
ب) ولایت پدر (ریاست پدر بر فرزند) که در رابطه ابوت و بنوت است.  
برای استمرار حیات خانواده، مدیر و رئیسی نیاز است تا اداره امور آن را بر عهده گیرد. تنها شکل مدیریت صحیح خانواده، همان است که دین اسلام بدان اشاره فرموده است. علامه جعفری<sup>۶۶</sup> در این زمینه می گوید:

صورت معقول این مدیریت همان نظام شورایی با سرپرستی و مدیریت اجرایی مرد (است) که این حالت برای اداره منطقی خانواده، شرط لازم و فوق العاده با اهمیت است، به شرط آنکه اعضای شورا با کمال تقوی و عدالت و بی طرفی از تمایلات شخصی در اداره خانواده دست به کار شوند.<sup>۶۶</sup>

سؤال اصلی این است که دلایل سپردن این مسئولیت به مرد - نه زن - چیست؟ در پاسخ به سه دلیل عقلی، نقلی و قانون مدنی می توان اشاره نمود.  
از نظر عقلی، مدیریت مرد بر خانواده و زن، به این دلیل است که مبادرت به انتخاب همسر و تشکیل خانواده، حمایت از همسر، تأمین معاش زن و فرزندان و حفظ مصالح آن ها به طور طبیعی بر عهده مرد است. بنابراین، اگر قرار باشد نیازهای حمایتی، اقتصادی و نیز حفظ و حراست از آن ها و کیان خانواده به عهده مرد باشد و ریاست و سرپرستی به عهده کسی دیگر، ظلم بزرگی به مرد خواهد شد.



دلیل نقلی واگذاری این مسئولیت به خوبی در قرآن مجید قابل ملاحظه است، آنجا که می فرماید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ»<sup>۶۷</sup>.

ریاست مرد بر خانواده در قانون مدنی نیز مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس، ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی می گوید: «در روابط زوجین، ریاست خانواده از خصایص شوهر است»<sup>۶۸</sup>.

### قوامیت، حق یا تکلیف

اکنون این پرسش مطرح است که آیا قوامیت، حق مرد است یا تکلیفی بر عهده او؟

نخست، ریاست و قوامیت مرد، مسئولیت و وظیفه تلقی می شود. پس از آن موقعیتی برتر و امکانات و اختیاراتی ویژه برای فعلیت بخشیدن به وظایف ناشی از این مسئولیت است. بنابراین، ریاست بر خانواده و قوامیت، تکلیفی برای حمایت، کاراندیشی و حفظ صلاح و مصلحت خانواده و اعضای آن است و از امور مربوط به نظم عمومی می باشد، ولی با در نظر گرفتن اختیارات و امتیازات ناشی از این اقتدار قانونی و روا نبودن ممانعت و مزاحمت دیگران با آن، چهره‌ای از حق به خود می گیرد و در نهایت، ریاست مرد بر خانواده، به صورت آمیزه‌ای از حق و تکلیف جلوه گر می شود.<sup>۶۹</sup>

نکته دیگر آن است که مسئولیت مدیریت و ریاست بر خانواده به دلیل امری و تکلیفی بودن آن، قابل اسقاط یا واگذاری نیست. بنابراین، زوجین نمی توانند با انعقاد قرارداد مخصوصی یا شرط ضمن عقد، این موقعیت را نادیده انگارند یا از اقتدار قانونی آن بکاهد یا قلمرو آن را محدود سازند.<sup>۷۰</sup>

حال این سؤال پیش می آید که دامنه این مدیریت تا کجاست؟ آیا در همه امور



مربوط به زن، مرد مدیریت دارد یا مدیریت او فقط در امور خاصی است؟ در محدوده قوامیت شوهر بر زن، از آنجا که حاکمیت از آن خداست و اصل اولی عدم سلطه، حاکمیت و ولایت انسانی بر انسان دیگر است، مگر اینکه دلیل معتبری از ناحیه شرع مقدس بر این امر اقامه شود، این محدوده قوامیت و ریاست شوهر بر زن، فقط مربوط به زندگی خانوادگی و همسررداری و محدود به شئون زوجیت است و از آن فراتر نمی‌رود. بنابراین، ریاست شوهر فقط امور مربوط به خانواده و مصالح آن را شامل می‌شود.<sup>۷۱</sup> از این رو، علامه طباطبائی رحمته الله علیه می‌فرماید:

قوامیت مرد بر همسرش به گونه‌ای نیست که اراده و تصرف زن را در ملک خویش سلب کند یا زن را از استقلال و حفظ حقوق اجتماعی و فردی خود و دفاع از آن باز دارد، بلکه معنی آن این است که چون مرد در مقابل تمتع خود از زن، مالی را به او می‌پردازد، زن نیز باید در آنچه مربوط به تمتع مرد و کامجویی او از زن است، مطیع و در غیاب شوهر حافظ ناموس او باشد.<sup>۷۲</sup>

البته تعیین این محدوده، به معنای کم اهمیت جلوه‌دادن مدیریت مرد نیست، بلکه تأکیدی است بر اینکه زن در حفظ مصالح خانواده، رعایت شئون زوجیت و حق تمتع شوهر، وظیفه سنگینی به عهده دارد، در عین حال قوامیت مرد بر او، سبب سلب آزادی و سایر حقوق انسانی و اجتماعی او نیست. مردی  
قرآن به مرد حق حکومت و ریاست عادلانه داده است نه حق تحکم و زورگویی. از این رو، مرد موظف به انجام صحیح این مسئولیت به دور از هرگونه اعمال سلیقه و ایجاد فشار بر دیگر اعضای خانواده است و زن نیز موظف است این ریاست را بپذیرد و در جهت مصالح خانواده و تأمین فضایی آرام و توأم با صمیمیت و مودت، با مرد همکاری نماید.



## ۱. مضاجعت، بیتوته، قسم

یکی دیگر از وظایف مرد در برابر همسرش، «مضاجعت، بیتوته یا قسم» است. از نظر بسیاری از فقها، مرد باید هر چهار شب یک شب، نزد همسر دائمی خود بماند؛<sup>۷۳</sup> یعنی شب را با او به سر برد و در خورد و خوراک با او باشد و در بستر او بخوابد و صبح هم با او باشد البته برحسب متعارف و معمول.<sup>۷۴</sup> مگر در حالت عذر یا مسافر بودن یا با اجازه همسر یا بخشیدن حق خود.

برخی از فقها نظیر امام خمینی<sup>علیه السلام</sup>، مضاجعت به شکل مذکور را واجب نمی‌دانند. امام خمینی<sup>علیه السلام</sup> در این مورد می‌فرماید:

کسی که یک زن دارد، این زن بر او حق هم‌خوابگی هر شب را ندارد، بلکه بنا بر اقوی در هر چهار شب یک شب هم حق ندارد، بلکه آنچه لازم است این است که از او دوری نگزیند و او را مانند معلقه که نه صاحب شوهر است و نه طلاق داده شده است، رها ننماید.<sup>۷۵</sup>

«قسم» در موردی است که مردی دارای چند همسر است، در این صورت باید شبهایش را بین آنها تقسیم کند.<sup>۷۶</sup>

## وظایف اختصاصی زن در خانواده (حقوق شوهر بر زن)

در حدیثی از امام باقر<sup>علیه السلام</sup> روایت شده است:

زنی خدمت پیامبر اکرم<sup>صلی الله علیه و آله</sup> رسید و از حق شوهر بر زن پرسید، حضرت فرمود: «اینکه او را اطاعت کند و با او مخالفت ننماید، از خانه او چیزی بدون اجازه صدقه ندهد؛ او را از کام‌گیری منع ننماید هرچند بالای شتر باشد و بدون اجازه شوهر از خانه خارج نشود. اگر بدون اجازه از خانه خارج شود فرشتگان آسمان و فرشتگان غضب و رحمت همگی او را لعنت می‌کنند تا به خانه برگردد.<sup>۷۷</sup>



بنابراین، با توجه به احادیث و موارد موجود در متون فقهی و حقوقی، وظایف زن نسبت به شوهر عبارتند از:

### ۱. تمکین

«تمکین» در لغت به معنای قبول کردن و فرمان بردن است و در اصطلاح به معنای: «فراهم آوردن زمینه‌ها و برآوردن نیازهای مرد می‌باشد. تمکین که از وظایف مهم و اساسی زن است، دو قسم دارد: تمکین خاص؛ تمکین عام.

#### الف) تمکین خاص

تمکین خاص یعنی، برآوردن نیازهای غریزی و جنسی مرد<sup>۷۸</sup> که در قرآن کریم<sup>۷۹</sup> بدان اشاره شده است. قرآن کریم زنانی را که نسبت به شوهر خود تمکین و اطاعت‌پذیری دارند، زنان صالح، خاضع و متعهد در برابر همسر و نظام خانواده معرفی می‌فرماید: «فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ»<sup>۸۰</sup>؛ چراکه اولین نشانه این زنان، تعهد آنان در پذیرش حکم خداوند و انجام رسالت همسری است.

به فرموده علامه طباطبایی<sup>۸۱</sup>:

کلمه (قنوت) عبارت است از: دوام طاعت و خضوع و از اینکه در مقابل اینگونه زنان، زنان ناشزه را قرار داد. از «وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ» به دست می‌آید که مراد از «صالحات» نیز همسران صالح است، نه هر زن صالح و حکمی که روی صالحات کرده است و فرموده صالحات چنین و چنانند، مخصوص زنان در حال ازدواج است نه مطلق زنان.<sup>۸۱</sup>

بنابراین، تمکین شوهر، فقط ارضای نیاز جنسی او نیست، بلکه در حقیقت، خشوع در مقابل امر خدای تعالی و در راستای علاقه به حفظ قداست و استحکام خانواده و ارج نهادن به شخصیت خود و همسر است. این وظیفه مهم زن را باید





فراتر از نگاه حیوانی و شهوانی به آن تفسیر نمود و تمکین در مقابل شوهر را باید در محدوده اطاعت از اوامر الهی تفسیر کرد.

نه فقط آیات، بلکه روایات نیز به بیان این وظیفه مهم پرداخته‌اند. در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است:

بر زن لازم است از بهترین عطر استفاده کند، زیباترین لباسش را بپوشد، خود را به نیکوترین وجه آرایش دهد و صبح و شب خود را به شوهر عرضه نماید و حقوق شوهر بر زن بیش از اینهاست.<sup>۸۲</sup>

نیز فرمود:

زنی که شوهرش او را برای برقراری رابطه زناشویی فرا می‌خواند، ولی این دست و آن دست می‌کند تا شوهرش به خواب رود، چنین زنی را فرشتگان دائماً نفرین و لعنت می‌کنند تا همسرش از خواب بیدار شود.<sup>۸۳</sup>

تعالیم و دستورات دین مبین اسلام مطابق با طبیعت و فطرت انسان است و به همه نیازهای جسمانی و روانی انسان‌ها توجه دارد، نیاز جنسی و علاقه به آن نیز مورد توجه آموزه‌های دینی قرار گرفته است.<sup>۸۴</sup> از آنجا که ارضای نیاز جنسی در اسلام فقط از راه ازدواج صورت می‌پذیرد، دین اسلام این امر را رکن اساسی ازدواج می‌داند، به طوری که اگر وجود بیماری‌ها و یا عیوبی خاص در زن یا مرد، مانع ارضای نیاز جنسی آن‌ها شود، هر یک از آنان حق فسخ عقد ازدواج را دارند.<sup>۸۵</sup> از نظر فقها نیز تمکین خاص، از مهم‌ترین وظایف زن نسبت به شوهر است<sup>۸۶</sup> و در صورت عدم تمکین، بدون هیچگونه عذر شرعی یا پزشکی، مصداق نشوز محسوب شده و علاوه بر این که گناهکار است، مستوجب قطع نفقه از سوی شوهر خواهد بود.<sup>۸۷</sup>



روابط جنسی زوجین علاوه بر اینکه باعث حفظ عفت و پاکدامنی فرد و در نتیجه سلامت خانواده و جامعه می‌شود، همچنین باعث ایجاد محبت و صمیمیت بیشتر بین زن و شوهر، بروز نشاط و شادمانی، رفع افسردگی و نیز تسکین برخی دردها و تنش‌های جسمی می‌گردد<sup>۸۸</sup> که در کلمات اولیای دین به این امر تصریح شده است.<sup>۸۹</sup>

تأکید روایات<sup>۹۰</sup> به زن درباره توجه به نیاز جنسی شوهر، شاید به دلیل وجود حیای بیشتر زنان نسبت به مردان باشد که ممکن است این حیا مانع تمکین خاص زن از شوهر و یا ابراز نیاز خود شود. علت دیگر را می‌توان به تحریک‌پذیری بیشتر مرد و فعالیت جنسی فزون‌تر او نسبت داد<sup>۹۱</sup> که ریشه در تفاوت‌های زیستی زن و مرد دارد.<sup>۹۲</sup>

#### ب) تمکین عام

تمکین عام از دیگر وظایف زن در مقابل شوهرش است که مشتمل بر موارد زیر می‌باشد:

#### ۱. پرهیز از آزار شوهر، تندخویی و بدزبانی و قهر کردن

گاه به دلیل فشارهای روانی و کشمکش در روابط زن و شوهر، آنان متوسل به تندخویی، بدزبانی و قهر کردن می‌شوند و فضای خانواده و مناسبات حاکم بر آن را تحت تأثیر رفتار خود قرار می‌دهند. این امر علاوه بر ایجاد فشار روانی مضاعف بر آنها، به فرزندان نیز آسیب‌های روحی- روانی شدید وارد می‌کند و در صورتی که این نوع رفتار به رویه‌ای معمولی در زندگی آنان تبدیل شود، فرزندان‌شان را به سوی انحرافات اخلاقی و ناهنجاریهای اجتماعی سوق خواهند داد. بر این اساس، در روایات به طور مکرر بر پرهیز از تندخویی، بدزبانی و قهر کردن در خانواده تأکید شده است؛ چنانکه امام صادق علیه السلام می‌فرماید:



ملعون است ملعون، زنی که شوهرش را بیازارد و وی را غمگین و غصه‌دار کند و خوشبخت است و سعادت‌مند زنی که احترام شوهر را نگه دارد و وی را آزار نرساند و در هر حال از وی اطاعت کند<sup>۹۳</sup>.

گاه در زندگی، شرایط بسیار سخت و طاقت‌فرسای پیش می‌آید که تعاملات نامناسبی میان زن و شوهر ایجاد می‌کند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «...ایما امراه قالت لزوجها، ما رأیت قطُّ من وجهک خیراً فقد حبط عملها؛<sup>۹۴</sup>...زنی که به شوهرش بگوید من هرگز از تو خیری ندیدم، تمام عملش نابود می‌شود».

گاه مشاجرات بین زن و شوهر، ممکن است مرد را به سمت برخورد فیزیکی با زن و کتک زدن او سوق دهد که در روایات با الفاظی تند، صریح و عتاب‌آلود از آن نهی شده است. چنانچه از امام باقر علیه السلام نقل شده که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «أَيُّضْرِبُ أَحَدَكُمْ الْمَرْأَةَ ثُمَّ يَظَلُّ مُعَانِقَهَا؛<sup>۹۵</sup> آیا زن را کتک می‌زنید سپس او را در آغوش می‌گیرید» (کنایه از اینکه چگونه زن را کتک می‌زنید و حال آنکه برای رفع نیازهای خود به او نیازمندید و ناچارید به او پناه ببرید). همچنین در سخن دیگری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است:

«هر کس عیال خود را بدون هیچ حقی بزند، من در قیامت دشمن اویم، زنید زن‌های خود را؛ هر کس بی‌حق آن‌ها را بزند از فرمان خدا و رسول سرپیچی کرده است».<sup>۹۶</sup>

قهر کردن نیز اگرچه انعکاس ناراحتی زن یا مرد از بروز اختلاف ایجاد شده با همسر است، ولی به جای حل مشکل زمینه تیره‌تر شدن روابط زوجین را فراهم می‌آورد. به همین دلیل، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قهر را سبب لعنت ملائکه بر فرد دانسته و می‌فرماید: «هنگامی که زنی دور از بستر شوهر شب را به روز آورد، فرشتگان تا صبح او را لعنت می‌کنند».<sup>۹۷</sup>



از آنجایی که ممکن است در هنگام مشاجره و اختلاف در خانواده، زنان به دلیل احساسی و نیز ارتباط محوربودنشان، در مقایسه با مردان صفات ناشایستی همچون بدزبانی و قهر کردن را داشته باشند، در این موارد در احادیث، زن‌ها بیشتر مخاطبند. در مقابل، مردها هنگام اختلاف و مشاجره با همسر، به دلیل قدرت بدنی بیشتر و بروز خشم زیادتر، ممکن است به برخورد فیزیکی و کتک زدن متوسل شوند، از این رو در احادیث<sup>۹۸</sup> در این مورد به آن‌ها هشدارهای جدی داده شده است.

علاوه بر بعد اخلاقی، از نگاه فقهی و حقوقی نیز، این وظیفه اهمیت زیادی دارد و بنا بر نظر فقها، یکی از علایم نشوز زن، تغییر عادت او در روابط کلامی یا غیر کلامی با همسر، بدون هیچ دلیل موجهی است؛ بدین معنا که قبلاً با همسر با نرمی و مهربانی سخن می‌گفته است، اکنون با ترش‌روی، بدرفتاری و تندخویی؛ که این تغییر عادت، نشانه نشوز زن است؛ زیرا از مصادیق سوء معاشرت می‌باشد.<sup>۹۹</sup>

در حالی که تعالیم اسلامی به روابط کلامی و غیر کلامی اعضای خانواده توجه ویژه‌ای دارد، همواره توصیه کرده است که گفت‌وگوی اعضای خانواده با هم باید محترمانه و با آهنگی ملایم باشد. از نشانه‌های احترام در گفتگو این است که زن و شوهر یکدیگر را به بهترین نامی که هر یک دوست دارند، خطاب کنند.<sup>۱۰۰</sup> ابراز محبت و دوستی با گفتار، نسبت به یکدیگر به عمیق‌تر شدن روابط عاطفی کمک می‌کند. بنابراین، لازم است به جای برخی رفتارها که مانع برقراری روابط عاطفی محکم و قوی میان زن و شوهر و فرزندان می‌شود مانند قطع حرف یکدیگر، جدال، توهین، تحقیر و انتقاد تند، با به کارگیری رفتارهایی مانند سپاسگذاری و تشکر از یکدیگر، قدردان عملکرد همسر بودن و... به استحکام روابط خانواده کمک کرد.



## ۲. عدم تصرف در اموال شوهر بدون اذن او

چنانچه در فقه وارد شده است، زن بدون اجازه شوهر نمی‌تواند در مال او تصرف نماید و از مال، او صدقه یا هدیه دهد و یا بدون اجازه او نذر کند.<sup>۱۰۱</sup> بنابراین، تمام تصرفات زن در مال شوهر باید با اذن و اجازه شوهر صورت گیرد. البته چنانچه در سایر کتب فقهی از جمله *تحریر الوسیله* آمده است، موارد استثنائی نیز وجود دارد، مانند زکات یا نیکی به والدین و صله رحم.<sup>۱۰۲</sup>

## ۳. عدم خروج از منزل بدون اجازه شوهر

یکی از وظایف زن در برابر شوهر این است که بدون اجازه او از منزل خارج نشود و در غیاب او حافظ مال و اسرار شوهر باشد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نهی فرمود از این که زن بدون اجازه شوهرش از منزل خارج شود. هر زنی که بدون اجازه شوهر از منزل خارج شود، همه چیزهایی که بر او عبور می‌کند او را لعنت می‌کنند تا وقتی که به منزلش بازگردد.<sup>۱۰۳</sup>

خروج زن از منزل با اذن و توافق شوهر، یکی از وظایف واجب و مهم زن است که در متون دینی و فقه اسلامی، بدان اشاره شده است. از جمله حضرت امام خمینی ره در *تحریر الوسیله* می‌فرماید:

و از جمله حقوق مرد بر زن این است که زن اطاعت شوهر را بنماید و معصیت و سرپیچی از او ننماید و از منزلش بدون اجازه شوهر خارج نشود و او برای رفتن نزد خانواده‌اش حتی برای عیادت پدرش یا شرکت در عزای او [از همسر اجازه بگیرد].<sup>۱۰۴</sup>

در توضیح المسائل مراجع آمده است: «زنی که عقد دائمی شده است، نباید بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود».<sup>۱۰۵</sup>



در واقع تشریح این حکم از دو بعد قابل تحلیل و بررسی است: نخست از بعد ریاست و قوامیت شوهر بر زن. طبق این بعد، شوهر بر اساس تکلیفی که در ریاست و قوامیتش بر زن و خانواده و حفظ و رعایت مصالح خانواده و اعضای آن و حفاظت از حرمت و حیثیت ناموس و عفت آن دارد، این اختیار برای او وجود دارد که به دور از هر گونه اعمال ظلم و بدبینی رفت و آمد و معاشرت‌های زن را تحت نظارت و کنترل خود در آورد و حتی محدودیت‌هایی برای او منظور نماید. دوم، از آنجا که زن کانون مهرورزی، عاطفه‌گستری و آرامش‌بخشی در خانواده و مربی فرزندان است بدون تردید برای ایفای این رسالت عظیم این سنگر (خانواده) بسیار ضروری است. چه کسی باید این سنگر را حفظ و مراقبت نماید؟ آیا می‌توان گفت این دانشگاه عظیم انسان‌سازی را از مربی خالی نمود و بگوییم حضور مادر در خانواده نیاز نیست؟

وقتی حفظ و حراست خانه و خانواده از تعرضات روانی و اخلاقی به دست زن است و تأثیر روانی فقدان مادر در اضطراب، تشویش و نابسامانی افراد خانواده به اثبات رسیده است، چگونه می‌توان القا کرد که زن برای رفت و آمدش نیازی به تبادل نظر با شوهر و اذن در خروج ندارد؟<sup>۱۰۶</sup> بنابراین، لزوم اذن شوهر برای خروج زن از منزل، به این دلیل است که مرد بتواند به وظیفه سنگین سرپرستی خانواده و مراقبت و صیانت از زن و فرزندان عمل کند.

اجازه زن از شوهر برای خروج از منزل، او را در قبال شوهر و خانواده متعهدتر می‌کند و مرد را نیز در احساس مسئولیتش نسبت به همسر و فرزندان قوی‌تر و باانگیزه می‌نماید. در حقیقت، می‌توان ادعا نمود که تشریح چنین حکمی از سوی شارع مقدس، در راستای پاسخ‌گویی به نیازهای روانی زن و مرد است.

مردان نیازمند اعتماد همسرشانند. در مقابل، زنان نیاز بیشتری به مراقبت (و



حمایت) از سوی همسر خویش دارند. اجازه زن از شوهر برای خروج از منزل، نوعی ارضای نیازهای روانی زن و شوهر است که تأثیر مثبتی بر آنها دارد و غیرمستقیم به فرزندان نیز می‌آموزد که به والدین احترام بگذارند و بدون اطلاع آنها از منزل خارج نشوند.<sup>۱۰۷</sup>

نکته مهم این است که اگرچه زن موظف به اجازه گرفتن از همسر، برای خروج از منزل و اطاعت از شوهر و عدم عصیان در مقابل اوست، مرد نیز اگر نسبت به همسر خود اعتماد دارد، نباید آزادی او را سلب نماید و بدون عذر شرعی و عرفی، همسرش را از دیدن والدین، فامیل، خروج از منزل و... نهی و یا برای رفتن به جایی مجبور نماید،<sup>۱۰۸</sup> که در این صورت، مصداق ظلم به زن است.

#### استثنائات خروج زن از منزل بدون اذن شوهر

برای خروج زن از منزل بدون اجازه شوهر موارد استثنایی وجود دارد که برخی از آنها عبارتند از: انجام واجبات عینی که موقوف بر خروج از منزل است، مانند سفر حج واجب<sup>۱۰۹</sup> و خروج برای تأمین معاش، چنانچه شوهر قادر به تأمین معاش نباشد یا از انفاق سرپیچی کند.<sup>۱۱۰</sup> موارد دیگری نیز وجود دارد که لازم است هر مکلفی در این مسئله به نظر مرجع خود رجوع نماید.

حتی در موارد استثنایی، در صورتی که خروج زن از منزل بدون اجازه شوهر منجر به زیاد شدن اختلاف‌های خانوادگی می‌شود، زن باید سعی کند رضایت شوهر را جلب نماید.

تفاوت حقوق و تکالیف زن و مرد، به تفاوت‌های فطری و تکوینی آنها بستگی دارد و همین تفاوت‌هاست که عامل جذب و انجذاب آنان به یکدیگر و تلاش آنها در جهت حفظ و استحکام پایه‌های زندگی مشترک است. بنابراین، هیچ یک از حقوق و تکالیف زن و شوهر نمی‌تواند و نباید، زمینه‌ساز تفاخر، تحکم و ابزاری برای ظلم به همسر قرار گیرد.



## سخن پایانی

رابطه میان حق و تکلیف رابطه دو سویه و غیرقابل تفکیک است که در روابط همه انسان‌ها با یکدیگر حاکم است و توجه به این رابطه دوسویه، زن و شوهر را به سمت تکالیفی که خداوند برایشان در قبال یکدیگر وضع نموده، سوق می‌دهد. این مسئولیت‌ها که در دو بعد وظایف مشترک و اختصاصی، از رهگذر وحی و تعالیم انبیا و معصومین علیهم‌السلام به دست ما رسیده است، شامل حسن معاشرت، تلاش در جهت تحکیم مبانی خانواده، تربیت فرزند و وظایف اختصاصی اموری مانند وجوب مدیریت خانواده بر مرد و تمکین از ناحیه زن می‌شود. اگر اساس رابطه زن و شوهر بر پایه روابط معروف و شایسته، پایه‌گذاری شود، این مهم، خود زمینه‌ساز توجه به سایر حقوق یکدیگر خواهد بود؛ به شرط آنکه زن و شوهر هر دو از وظایف و حقوق خود نسبت به همسر آگاهی لازم داشته باشند و فارغ از دستاویز قرار دادن برخی از تفاوت‌های حقوقی خود با یکدیگر و پذیرش این تفاوت‌ها که مایه جذب و انجذاب آنان می‌باشد، تعهد برای رعایت آن حقوق را نیز در خود احساس کنند. در چنین شرایطی است که بر اساس سخن الهام بخش قرآن کریم: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ»<sup>۱۱</sup>، آنان لباس یکدیگر خواهند بود که علاوه بر پوشاندن عیوب، زینت بخش یکدیگرند و اساس رابطه‌شان مودت و رحمتی است که زمینه‌ساز رسیدن به کمال و رستگاری، سلامت روح و روان فرزندان و تحکیم بخش خانواده و رشد و تعالی جامعه خواهد بود.





### پی‌نوشت

۱. حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات راغب، تهران، مرتضویه، بی‌تا، ص ۲۴۶.
۲. مرتضی انصاری، مکاسب، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۱ هـ.ق، اوایل کتاب بیع.
۳. محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ هـ.ق، ص ۱۱۵.
۴. عبدالله جوادی آملی، حق و تکلیف در اسلام، قم، اسراء، ۱۳۸۴، ص ۲۳۸.
۵. سیف‌الله صرامی، حق، حکم و تکلیف (گفت‌وگو با جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه)، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ، ۱۳۸۵، ص ۳۲.
۶. اسدالله جمشیدی و دیگران، جستاری در هستی‌شناسی زن، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رض)، ۱۳۸۵، صص ۲۴۱ - ۲۴۵.
۷. زخرف: ۳۲
۸. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۱، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴، ص ۵۲.
۹. ر. ک: بقره: ۲۲۸ - ۲۴۱؛ نساء: ۱۹ و ۲۵.
۱۰. بقره: ۲۲۸، ۲۳۱، ۲۲۹؛ نساء: ۴، ۱۹، ۲۰؛ طلاق: ۶ و ...
۱۱. ناصر کاتوزیان، دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده، تهران، میزان، ۱۳۸۲، ص ۱۶۰.
۱۲. عزت‌السادات میرخانی، رویکردی نوین در روابط خانواده، تهران، سفیر صبح، ۱۳۸۰، صص ۲۵۱ و ۲۱۴.
۱۳. آل عمران: ۱۵۹
۱۴. ر. ک: محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۲، تهران، الاسلامیه، ۱۳۶۵، ص ۱۰۷؛ عبدالواحدین محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه، ۱۳۶۶، صص ۹۱ - ۹۲.
۱۵. محمد بن الحسن حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، قم، آل‌البیت الاحیاء التراث، ۱۳۴۷، ص ۱۶۹.
۱۶. کافی، ج ۵، ص ۳۲۵.
۱۷. نساء: ۱۹
۱۸. مهدی مهریزی، شخصیت و حقوق زن در اسلام، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲، ص ۲۵۹.
۱۹. محمد بن علی بن الحسین بابویه قمی صدوق، من لا یحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ هـ.ق، ج ۳، ص ۴۴۳؛ ر. ک: کافی، ج ۵، ص ۵۱۲.



۲۰. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۸۰.
۲۱. رک: نهج الفصاحه، تحقیق، ترجمه و تدوین علی سلیمی، تهران، جمهوری، ۱۳۸۶، ج ۱۵۶.
۲۲. جانگری، مردان مریخی، زنان ونوسی، ترجمه سیدرضا نیازی، قم، نجبا، ۱۳۸۱، صص ۱۸۷-۱۸۸.
۲۳. کافی، ج ۵، ص ۵۱۱.
۲۴. رضی الدین حسین بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، قم، شریف رضی، ۱۴۱۲ هـ.ق، ص ۸۰.
۲۵. کافی، ج ۶، ص ۵۱۲.
۲۶. کافی، ج ۵، ص ۵۶۷؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۰۸.
۲۷. کافی، ج ۵، ص ۵۰۷.
۲۸. رک: روح الله خمینی، تحریر الوسیله، تهران، دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، بی تا، کتاب النکاح، القول فی النشوز، ابتدای فصل.
۲۹. زخرف: ۱۸.
۳۰. نهج الفصاحه، ج ۹۸۶.
۳۱. همان، مسئله ۲۴۱۴.
۳۲. وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۵۱.
۳۳. همان، ج ۲۰، ص ۱۷۲.
۳۴. مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۴۸.
۳۵. روم: ۲۱
۳۶. رک: احزاب: ۲۱
۳۷. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، صص ۲۵۰-۲۵۱.
۳۸. ورام ابن ابی الفراس، مجموعه ورام، قم، مکتبه الفقیه، بی تا، ج ۲، ص ۱۲۲.
۳۹. کافی، ج ۶، ص ۲۹۶.
۴۰. رویکردی نوین در روابط خانواده، ص ۲۵۵.
۴۱. دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده، ص ۱۶۱.
۴۲. همان، ص ۱۶۲.
۴۳. کافی، ج ۵، ص ۵۶۹.
۴۴. مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، صدرا، ۱۳۷۶، ص ۲۵۶.
۴۵. مردان مریخی، زنان ونوسی، ص ۱۸۸.



www.noormags.ir



۴۶. ر.ک: مهدی نیلی پور، فرهنگ فاطمیه، اصفهان، نشر مرکز فرهنگی شهید مدرس، ۱۳۸۰، صص ۱۸۶-۱۸۹.
۴۷. ر.ک: مصطفی محقق داماد، حقوق خانواده، نکاح و انحلال آن، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۶۵، ص ۱۲۰ (ماده ۱۰۵۴ قانون مدنی).
۴۸. دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده، ص ۱۶۲.
۴۹. نور: ۲، ۳۰، ۳۱، ۵۸ و ۵۹.
۵۰. ر.ک: تحریر الوسیله، کتاب الحدود، حدالزنا.
۵۱. دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده، ص ۱۶۲.
۵۲. ر.ک: تحریر الوسیله، کتاب النکاح، فصل فی النفقات، مسئله ۱.
۵۳. ر.ک: ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی.
۵۴. بقره: ۲۳۳؛ طلاق: ۶.
۵۵. دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده، ص ۱۴۲؛ تحریر الوسیله، کتاب النکاح، فصل فی النفقات، مسئله ۸.
۵۶. تحریر الوسیله، همان مسئله.
۵۷. دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده، ص ۱۴۳.
۵۸. تحریر الوسیله، کتاب النکاح، فصل فی النفقات، مسئله ۱.
۵۹. سید محمدحسن بنی هاشم خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۲، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳، احکام نکاح، احکام عقد دائم، مسئله ۲۴۱۲.
۶۰. همان
۶۱. دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده، ص ۱۴۵.
۶۲. همان
۶۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۰۸.
۶۴. همان، ص ۱۵.
۶۵. محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، جماعة المدرسین فی الحوزة العلیمة، بی تا، ص ۳۴۳.
۶۶. محمدتقی جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱۱، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۲۶۸.



۶۷. نساء: ۳۴

۶۸. دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده، ص ۱۶۴.

۶۹. محمد مهدی مقدادی، ریاست خانواده، شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳۸۵، صص ۴۷ و ۵۸.

۷۰. ناصر کاتوزیان، مقدمه علم حقوق، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۲۷.

۷۱. ریاست خانواده، صص ۱۱۵ - ۱۱۶.

۷۲. المیزان، ج ۴، ص ۳۴۴.

۷۳. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، احکام نکاح، مسئله ۲۴۱۷.

۷۴. علی مشکینی، ازدواج در اسلام، قم، الهادی، ۱۳۶۶، ص ۱۸۱.

۷۵. تحریر الوسیله، کتاب النکاح، فصل فی القسم و النشوز و الشقاق، مسئله ۱.

۷۶. همان

۷۷. کافی، ج ۵، ص ۵۰۶؛ من لایحضر الفقیه، ج ۳، ص ۴۳۸.

۷۸. دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده، ص ۱۶۷.

۷۹. بقره: ۲۲۳

۱۰. نساء: ۳۴

۸۱. المیزان، ج ۴، ص ۳۴۴.

۸۲. کافی، ج ۵، ص ۵۰۸.

۸۳. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۶۵.

۸۴. ر.ک: آل عمران: ۱۴؛ وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۴۳، ابواب مقدمات نکاح.

۸۵. ر.ک: تحریر الوسیله، کتاب النکاح، القول فی العیوب الموجهه لخیار الفسخ و التذلیس؛ دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده، صص ۲۰۳ - ۲۰۴، ماده ۱۱۲۲ و ۱۱۲۳ قانون مدنی.

۸۶. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، احکام عقد دائم، مسئله ۲۴۱۲.

۸۷. همان، مسئله ۲۴۱۳.

۸۸. آلن و باربارا پینر، آنچه زنان و مردان نمی دانند، ترجمه زهرا افتخاری، تهران، نسل نواندیش، ۱۳۸۳، صص ۲۶۵ - ۲۶۸.

۸۹. ر.ک: محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، بیروت، الوفاء، ۱۴۰۳، ص ۲۹۱.

۹۰. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۶۸؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۷. کافی، ج ۵، ص ۵۰۸.

۹۱. ر.ک: کافی، ج ۵، ص ۳۸۸.





۹۲. ر.ک: آنچه زنان و مردان نمی‌دانند، صص ۲۶۵-۲۶۸.
۹۳. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۸۰.
۹۴. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۴۰.
۹۵. کافی، ج ۵، ص ۵۰۹.
۹۶. حسن بن ابی الحسن دیلمی، ارشاد القلوب، بی‌جا، شریف رضی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۷۵.
۹۷. نهج الفصاحه، ح ۱۸۴.
۹۸. ر.ک: ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۷۵. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۰.
۹۹. ر.ک: تحریر الوسیله، کتاب النکاح، القول فی الشوز، مسئله ۱.
۱۰۰. سید جواد مصطفوی، بهشت خانواده، ج ۱، قم، دارالفکر، بی‌تا، ص ۱۷.
۱۰۱. تحریر الوسیله، کتاب النکاح، فصل فی القسم و الشوز و الشقاق، ابتدای فصل.
۱۰۲. ر.ک: همان
۱۰۳. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۵۸.
۱۰۴. تحریر الوسیله، کتاب النکاح، فصل فی القسم و الشوز و الشقاق، ابتدای فصل.
۱۰۵. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، احکام عقد دائم، مسئله ۲۴۱۲.
۱۰۶. رویکردی نوین در روابط خانواده، صص ۲۳۹-۲۴۰.
۱۰۷. مریم معین‌الاسلام و ناهید طیبی، روانشناسی زن در نهج البلاغه، قم، عطر سعادت، ۱۳۸۰، ص ۸۸.
۱۰۸. آیا شوهر حق دارد زن را مجبور کند که به منزل فلان فامیل برود، در حالی که زن به هیچ وجه راضی نیست به منزل آنها برود، آیا اطاعت از او در این امر واجب است؟ جواب: شوهر حق دارد از خارج شدن زن از خانه ممانعت نماید ولی اینگونه موارد بهتر است زن رضایت شوهر را به دست آورد. (حضرات آیات امام خمینی(ره)، بهجت، تیریزی، فاضل، مکارم، به نقل از سید مسعود معصومی، احکام روابط زن و شوهر، قم، مؤلف، ۱۳۷۸، ص ۷۶)
۱۰۹. استفتائات امام خمینی(ره)، ج ۳، ص ۱۴۸: توضیح المسائل آیت الله خوئی، مسئله ۲۴۲۵ و....
۱۱۰. ر.ک: توضیح المسائل مراجع، ج ۲، احکام نکاح، مسئله ۲۴۱۶.
۱۱۱. بقره: ۱۸۷



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی